



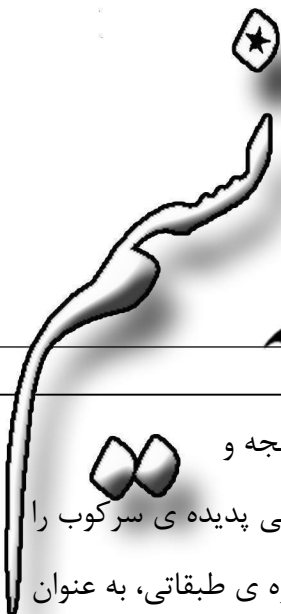
کارگران جهان متحد شوید

شماره ۹۸

۲۵ سپتامبر ۲۰۰۷

۳ مهر ۱۳۸۶

کاسنامه



باشد. زندان، شکنجه و

اعدام و به طور کلی پدیده ی سرکوب را

جز در پرتو مبارزه ی طبقاتی، به عنوان

وسیله ای برای به شکست کشانیدن جنبش

طبقات تحت سلطه نمی توان درک کرد.

واضح است که جامعه در تمام لحظات در

شرایط بحرانی و انقلابی قرار ندارد، بنابراین

حاکمین سرمایه برای حفظ مناسبات اسارات

بارشان تمام تلاش خود را صرف خارج کردن

بخش زیادی از فعالین سیاسی طبقات محروم

از عرصه ی مبارزه ی طبقاتی بالفعل و تغییر

توازن قوا می کنند. حکومت ها خوب می

دانند که جز با نیروی انسان های متشکلی که

با عمل آگاهانه ی جمعی شان برای براندازی

مناسبات سرمایه داری تلاش می کنند، نمی

توان جهانی آزاد ساخت. درست به همین

دلیل با زندانی و اعدام کردن افراد با تجربه

و پرتحرک سازمان های سیاسی مخالف، سعی

در انهدام آن سازمانها و سایر تشکلهای مردمی

دارند. زندان و اعدام کردن مخالفین علاوه بر

حذف فیزیکی آنان، با هدف ایجاد و گسترش

هراس در جامعه و به خصوص در میان طبقات

تحت ستم دنبال می شود. هدف در هم

شکستن اعتماد به نفس توده هاست، همه باید

آن گونه که حاکمان می خواهند بیاندیشند و

زندگی کنند.

کشتار زندانیان سیاسی در تابستان ۶۷ اولین

و آخرین کشتار دگراندیشان، کمونیست ها و

نیروهای مترقی در ایران و جهان نبوده است.

طی قرن گذشته در بسیاری نقاط دنیا، از آن

جمله در کشورهای آسیایی و آمریکای لاتین،

این زندانیان سیاسی که شکنجه و زندان

های طولانی مدت و همچنین روزهای

خفقان آور دهه ی ۶۰ را از سر گذرانده

بودند، متشکل شده و زندان را به مدرسه

ی مبارزه تبدیل کرده بودند، تجربیات

مبارزاتی ذیقیمت آنها را قادر می ساخت

که پس از آزادی از زندان با کمک به

سازماندهی اعتراضات و اعتصابات مردمی

به اپوزیسیون قدرتمندی برای حکومت

اسلامی تبدیل شوند. بیهوده نبود که

کشتار آنان با سراسیمگی و عجله ی وصف

ناشدنی تحت مانور تبلیغاتی حکم قتل

سلمان رشدی و پذیرش قطعنامه ۵۹۸،

به بهانه ی حمله ی «مجاهدین» به

شهرهای غربی کشور انجام گرفت. زندانیان

در دادگاه های چند دقیقه ای تفتیش

عقاید به جرم اعتقاداتشان به اعدام محکوم

شدند. در میان اعدام شدگان بسیاری در

حال گذراندن دوران محکومیت خود بودند؛

دوران محکومیت شمار زیادی از آنان به

پایان رسیده بود و شماری از آزادشدگان

دوباره فراخوانده شدند تا به جوخه های

آتش سپرده شوند. ابعاد این جنایت ضد

بشری به دلیل سانسور شدید خبری و

گسترده گی آن در سراسر کشور هنوز روشن

نیست؛ اما آنچه که مسلم است به قتل

رسیدن حداقل ۵۰۰۰ نفر زندانی سیاسی

در زندان های مختلف حکومت اسلامی

است.

زندان، شکنجه و اعدام از ازل در جامعه

بشری نبوده و نباید تا ابد وجود داشته



بیانیه ی دانشجویان و فعالین

چپ درباره ی کشتار زندانیان

سیاسی در تابستان سال ۶۷

۱۹ سال از کشتار زندانیان سیاسی در

سال ۱۳۶۷ گذشت!

۱۹ سال از کشتار زندانیان سیاسی در

تابستان ۶۷ می گذرد و ما همچنان در

انتظار روزی هستیم که کمیته های

حقیقت یاب و دادگاه های مردمی ضمن

تحقیق و جمع آوری اطلاعات، با روشن

ساختن تمام ابعاد این جنایت ضد بشری،

نسبت به مجازات آمران و عاملان آن اقدام

کنند.

پس از پایان جنگ و پذیرش قطع نامه ی

۵۹۸ از سوی حکومت اسلامی، شکسته

شدن اتوریتته ی کاذب نظام، فرار سربازان

از جبهه، بحران های اقتصادی و اجتماعی

گسترده و پیش بینی گسترش جنبش

های اجتماعی در سال های پس از جنگ،

حکومت اسلامی که از موج جدید

اعتراضات و اعتصابات مردمی در هراس

بود، طی ماه های مرداد و شهریور ۶۷ به

اعدام گسترده ی هزاران زندانی سیاسی

پرداخت.

در سال ۶۷، کشتار جمعی و جنایت علیه بشریت محسوب می شود و مشمول مرور زمان نمی شود، بنابراین حکومت اسلامی علاوه بر پاسخگویی در برابر تک تک قربانیان باید پاسخگوی تاریخ و جامعه ی انسانی هم باشد.

کشتار زندانیان سیاسی در سال ۶۷ نمادی از جنایات ضد بشری حکومت اسلامی و نظام جهانی سرمایه است. «خاوران» سند افشاگر این جنایات است؛ بنابراین تلاش برای زنده نگاه داشتن یاد جان باختگان راه آزادی و سوسیالیسم در تابستان ۶۷ و حفظ سندی به نام «خاوران»، جزئی از مبارزه ی بی امان برای جهانی است که در آن اثری از اعدام، شکنجه و زندان نیست. «خاوران»، زمین مهربانی که هزاران تن از زیباترین فرزندان آفتاب و باد را در خود جای داده ، نه خصم حکومت اسلامی که انکار این حکومت است. بنابراین در شرایطی که می خواهند سکوت را به ما تحمیل کنند باید از «خاوران» گفت و از کشتار ۶۷ نوشت. ستم واقعی را باید با آگاه کردن مردم از آن، ستمگرانه تر سازیم، ننگ را باید با افشای آن ننگین تر کنیم.

«خاوران» را مثل هر قلمرو دیگری از جامعه ی ایران باید چون لکه ی ننگ این جامعه نشان دهیم. باید این روابط واپسگرایانه را واداریم تا با ساز خود

9/6/1386

برقصند!

چپ کارگری دانشگاه های تهران

دانشجویان سوسیالیست پلی تکنیک

نشریه ی میلیتانت

هیئت تحریریه سایت سلام دموکرات

جنایتکاران راه را برای ظهور جانپان جدید باز می کند به طور جدی برای تغییر سیستمی مبارزه می کند که چنین جنایت هایی را به وجود می آورد.

یاد جانباختگان راه آزادی و سوسیالیسم باید زنده نگاه داشته شود، پرونده ی کشتارهای خونین دهه ی ۶۰ باید گشوده باقی بماند؛ باید گشوده بماند اما نه در نهادهای جهانی حقوق بشری که بر حسب منافعشان نسبت به آن چه در ایران اتفاق افتاد سکوت کرده و می کنند و به دلیل سرشت ذاتی شان سرانجام خون قربانیان اعدام های تابستان ۶۷ را پای میز مذاکره معامله می کنند؛ باید یاد از خودگذشتگی و دلاوری جانباختگان قتل و عام ۶۷ زنده بماند در قلب های ما، در مشت های گره کرده ی ما، در وجدان های آگاه مردم جهان و در همبستگی و مبارزه ی جهانی ما، تا آن روزی که در دنیایی آزاد به این جنایات رسیدگی شود. در آن روز تک تک زندانیان سیاسی و یا بازماندگان آنان می توانند از لحاظ حقوقی و قانونی برای پیگیری مجرمین و جنایتکارانی که آنان را دستگیر و شکنجه کرده، به زندان انداخته و بخش زیادی از آنان را به قتل رسانده اند، اقدام کنند.

اما حکومت سرمایه داری حاکم علاوه بر آسیب های بازگشت ناپذیری که به زندانیان سیاسی، خانواده ها و بازماندگان آن ها وارد کرده است، مرتکب جنایت علیه بشریت نیز شده است. قتل سیستماتیک مخالفین سیاسی طی دهه ی ۶۰ و به خصوص

نظام جهانی سرمایه دیکتاتورها را تحت عناوین مختلف مامور کشتار کمونیست ها و دگراندیشان کرده است. در ایران کشتار هزاران انسان طی مدت کوتاهی در تابستان ۶۷، به دنبال حدود یک دهه سرکوب عنان گسیخته و برقراری حکومت نظامی - پلیسی اسلامی و به خصوص کشتار خونین دهه ی ۶۰ روی داد. آزادی خواهان و فعالین جنبش کمونیستی، با به زندان افتادن و تحمل شکنجه های طاقت فرسا، و در نهایت با از دست دادن جانشان توان سرافرازی جنبشی را پس دادند که برای جهانی بهتر و انسانی تر مبارزه می کرد. از آن جا که زندان، شکنجه و اعدام یکی از ابزارهای طبقات حاکم در مبارزه علیه طبقات فرو دست است، تا زمانی که اردوی کارگران در برابر مناسبات سرمایه قد علم کرده است، تکرار چنین جنایاتی در ایران یا هر گوشه ای از دنیا عجیب نخواهد بود. چنان که کشتار ۶۷، با قتل های زنجیره ای دنبال شد، و امروز هم حکومت اسلامی با اصرار برای ادامه ی بازداشت محمود صالحی که در وضعیت وخیم جسمی به سر می برد هدفی جز گرفتن جان او را دنبال نمی کند. برای پایان دادن به این جنایات ضد بشری باید مجموع مناسبات سرمایه داری و دیکتاتوری حامی این مناسبات را هدف قرار داد. اولین گام در جهت پایان دادن به جنایات ضد بشری چون کشتار زندانیان سیاسی در تابستان سال ۶۷، لغو «مجازات اعدام» است. مجازات اعدام نشانه ی بیماری سازمان جامعه ای است که وسیله ی دفاعی اش جلا داد است. جنبش طبقه ی کارگر به جای انتقام جویی و ستایش جلا دانی که با اعدام

ضرورت آموزش مارکسیسم به طبقه کارگر

مبارز سوسیالیست

مارکسیسم قدرت دارد چون واقعیت دارد. ولادمیر لنین

درک مارکسیسم به مثابه سوسیالیسم علمی همواره اماج حمله گرایشات مختلف فلسفه و علم بورژوایی قرار داشته است. نگرش بورژوایی نه تنها خصلت علمی مارکسیسم را نفی می کند بلکه مصرانه بر آن است که مارکسیسم فاقد محتوای فلسفی، سیاسی و اقتصادی ازان خویش است. وقیح ترین نویسندگان بورژوا از جمله منتقدان اسلامی مارکسیسم کار عظیم تئوریک مارکس را صرفا سرهم بندی فلسفه المانی، اقتصاد سیاسی انگلیسی و سوسیالیسم فرانسوی می دانند. ترکیبی که اندکی خلاقانه صورت گرفته است. البته آنان معتقدند که اکنون پیشرفت علم و دست آورد های تجربه آموزه های مارکس را کاملا منسوخ کرده است. بنابراین برای آنان مارکس فیلسوف قابل احترامی که البته خطاهای فراوانی داشته است.

اما رها از گرد و غبارهای ایدئولوژیک بورژوایی باید گفت نادیده گرفتن مارکسیسم نه حاصل پیشرفت علم و دست آورد تجربه بلکه ریشه در محدودیت آگاهی طبقاتی ایدئولوگ های بورژوا دارد. در واقع طبقه بورژوا از آنجا که در دوران ارتجاعی خود به سر می برد به ناگزیر درک انقلابی از علم را نیز کنار گذاشته است درکی که آموزه های

مارکس مشخصا بر مبنای انصورتبندی شده اند. با کنار گذاشتن این درک است که بورژوازی دیگر قادر نیست مارکسیسم را به مثابه علم درک کند. درک انقلابی از علم ناظر بر ارتباط دیالکتیکی فلسفه با واقعیت و نظریه با عمل است درکی که تئوری را نه قلمرو ناب ایده ها بلکه پایه پراتیک برای تغییر واقعیت می داند واقعیتی که بورژوازی نمی خواهد تغییر کند.

با درک انقلابی از علم مارکسیسم دیگر سرهم بندی اقتصاد، سیاست و فلسفه پیشین نیست حتی اقتصاد، سیاست و فلسفه تازه ای هم نیست بلکه مارکسیسم نقد مترقی ترین گرایشات و دست اوردهای سیاست، فلسفه و اقتصاد سیاسی بورژوایی از دیدگاه طبقه انقلابی یعنی طبقه کارگر است. نقدی که همزمان محدودیت های تئوریکی و پراتیکی نگرش بورژوایی را عیان می کند و نشان می دهد که چگونه این محدودیت ها در چهارچوب جامعه سرمایه داری قابل رفع نیستند و رفع نهایی آنها در گرو پراتیک تنها طبقه انقلابی یعنی پرولتاریاست. اما اگر برای طبقه ارتجاعی یعنی بورژوازی مارکسیسم صرفا یک دردسر تئوریکی و پراتیکی است که با سانسور و سکوت می توان آن را از راه برداشت، برای طبقه انقلابی یعنی پرولتاریا مارکسیسم سلاح تئوریک برای تغییر واقعیت یعنی انحلال انقلابی جامعه سرمایه داری است. رفع محدودیت های جامعه سرمایه داری در گرو پراتیک انقلابی پرولتاریا است اما تنها پراتیکی انقلابی است که مبتنی بر تئوری انقلابی یعنی

مارکسیسم باشد. بنابراین انتقال میراث تئوریک مارکس به درون طبقه کارگر یعنی وارثان واقعی او دارای اهمیتی حیاتی است. به عنوان مثال مارکس با کشف تئوری ارزش اضافی ساز و کار استثمار طبقه کارگر در جامعه سرمایه داری را توضیح داد آموزش این تئوری به طبقه کارگر می تواند پراتیک آنها را به پراتیک انقلابی تبدیل کند. زیرا طبقه کارگر با درک این تئوری در می یابد که فلاکت او در جامعه سرمایه داری امری موقت یا خودبه خودی نیست، فلاکتی ساختاری است و ریشه در ذات نظام سرمایه داری دارد. همینطور آشنا کردن طبقه کارگر با آموزش های مارکس در باره تضادهای فرایند انباشت کاپیتالیستی سرمایه که ناگزیری نابودی جامعه سرمایه داری را نشان می دهد افق مبارزه طبقاتی کارگران را گسترش داده و آگاه ترین کارگران پیشرو را به ضرورت فعالیت سیاسی و انقلابی پیگیر می رساند.

به عنوان نتیجه تاکتیکی از این بحث ضروری است که ادبیات مارکسیستی به ویژه نقد اقتصاد سیاسی مارکس در جزواتی به صورت ساده و همه فهم تدوین و در تجمعات و میتینگ های کارگری در کنار بیانیه های سیاسی به طور گسترده ای در میان کارگران پخش شود. اهمیت این کار بیش از بیانیه ها و اطلاعیه های حقوق بشری است که این روزها به طور گسترده ای از سوی سازمان ها و فعالین چپ منتشر می شود البته حمایت از کارگران و مبارزان دربند و افشای سرکوبگری جمهوری اسلامی، این نقطع عفونت جامعه سرمایه داری امر تعطیل ناپذیر کمونیسم انقلابی است. اما نباید فراموش کرد که مارکسیست ها یک که گرایش انقلابی هستند نه گروه فشار حقوق بشری.

هر گونه دستگیری فعالین کارگری به هر بهانه ای محکوم است

کارگران :

نظام سرمایه داری در جهت ایجاد فضای رعب و وحشت بیشتر و یا ایجاد فضای پلیسی می خواهد تعرضات خود را در سطح جامعه به حدی برساند که این روال ضد انسانی را به یک روند عادی و روزانه تبدیل کرده و هر صدائی را در گلو خفه سازد .

کارگران ، مردم آگاه !

باری دیگر نظام بورژوازی به طرز وحشیانه ای تعدادی از فعالین در شهر خرم آباد را دستگیر کرده از تعداد ۲۴ نفر دستگیر شده در مورخه ۱۳۸۶/۰۶/۲۶ ، ۲۱ نفر از آن دوستان آزاد و سه نفر به نامهای " خسرو نسیم پور " ، " رضا دولتشاهی " ، " بهمن آزاد " از اعضای کمیته همهانگی خرم آباد در بازداشت باقی ماندند و همانطور که اطلاع دارید " بختیار رحیمی " از اعضای کمیته همهانگی شهر مریوان چندی پیش در مریوان دستگیر و تاکنون از وضعیت وی خبری در دست نیست ما ضمن محکوم کردن این دستگیری ها خواستار آزادی فوری و بی قید و شرط کلیه فعالین کارگری بوده و هرگونه تعرضی را شدیداً محکوم می کنیم .

کمیته همهانگی برای ایجاد تشکل
کارگری (منطقه غرب)

28/6/1386

Komiteyehamahangi.com

Komiteye_hamahangi@yahoo.com

پایان پیروزمندان اعتصاب کارگران کشتارگاه کرمانشاه

اعتصاب متحدانه کارگران کشتارگاه کرمانشاه که از ۲ هفته قبل آغاز شده بود هفته گذشته با پیروزی کارگران پایان یافت .

کارفرمای کشتارگاه کرمانشاه قصد انتقال این مرکز به " ماهیدشت " و استخدام تنها ۳۰ کارگر این واحد را داشت که این تصمیم با اعتصاب متحدانه کارگران کشتارگاه مذکور روبرو شد .

به دنبال اعتصاب و تاکید کارگران بر ادامه آن تا دستیابی به خواسته هایشان، سرانجام کافرما از تصمیم خود عقب نشسته و اکنون تمامی ۳۰۰ کارگر کشتارگاه در منطقه ماهیدشت و ۱۰۰ کارگر دیگر نیز در محل سابق کشتارگاه مشغول کار هستند .

ادامه اعتراضات کارگران

شرکت "قوه پارس" قزوین

کارگران شرکت "قوه پارس" طی روزهای گذشته بار دیگر در مقابل استانداری قزوین تجمع کرده و خواستار رسیدگی به مشکلاتشان شدند .

بیش از ۷۰ کارگر شرکت قوه پارس یکسال حقوق خود را دریافت نکرده و مطالبات ۱۲۶ کارگر بازنشسته این واحد نیز پرداخت نشده است .

شرکت قوه پارس قزوین یکی از واحدهای نمونه تولیدی در ایران محسوب می شد و بیش از ۱۵۰۰ کارگر در آن مشغول کار بودند، اما از سال ۸۴ و پس از واگذاری این شرکت به بخش خصوصی دچار بحران شده و در حال حاضر ورشکسته اعلام گردیده است .

لازم به ذکر است که کارگران شرکت قوه پارس طی یک سال گذشته چندین بار دست به تجمع زده اند، اما علیرغم وعده های مسئولین رژیم تاکنون هیچ اقدامی جهت رسیدگی به مشکلات آنان انجام نشده است

تجمع کارگران کارخانه صنایع

چوب طالقان

کارگران کارخانه صنایع چوب " طالقان " در منطقه " احمدآباد مستوفی " از توابع شهرستان اسلامشهر، صبح روز یکشنبه ۱ مهر ماه در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات معوقه خود در مقابل دفتر مرکزی این شرکت تجمع کردند . کارفرمایان کارخانه صنایع چوب " طالقان " بیش از ۶ ماه حقوق و مزایای ۷۰ کارگر این واحد را پرداخت نکرده و پرداخت حق بیمه کارگران به اداره تامین اجتماعی را نیز قطع کرده اند .

در جریان این تجمع که با حضور ماموران نیروی انتظامی رژیم برگزار گردید، کارگران کارخانه صنایع چوب " طالقان " با حمل پلاکارد و سردادن شعار خواستار پرداخت حقوق و مزایای معوقه و رسیدگی به مشکلاتشان شدند

قتل ۱۴۴ فعال کارگری در سال

۲۰۰۶

بر اساس گزارش سازمان همهانگ کننده اتحادیه های کارگری جهان، طی سال ۲۰۰۶، ۱۴۴ فعال کارگری در کشورهای مختلف جهان به قتل رسیده اند .

گزارش مذکور حاکیست که ۸۷ فعال کارگری در کلمبیا و ۳۳ تن دیگر در فیلیپین کشته شده اند .

سازمان همهانگ کننده اتحادیه های کارگری جهان، در گزارش خود آورده است که طی همین سال ۵ هزار فعال کارگری در کشورهای مختلف دستگیر شده، ۸۰۰ نفر از آنان زخمی یا شکنجه شده و ۵۰۰ نفر نیز در زندان هستند . بر اساس گزارش مذکور در بسیاری از موارد، دولتها و سازمانهای اطلاعاتی مخفی کشورها در قتل فعالین اتحادیه ای دست داشته اند .